

پایان یک روی



✎ احمد نصیری

انتخابات آمریکا؛
واژه ای که طبق آمار،
سایر کشورها از آمریکا
در پیگیری اخبار
انتخاباتش پیشی
گرفتند. شاید برای
خیلی ها آمدن یا
نیامدن یک فرد،
رویای آمریکایی
باشد که به تحقق
برسد؛ اما آیا رویای
آمریکایی هنوز هم
ادامه دارد؟

صبح روز انتخابات آمریکا،
رهبر انقلاب اوضاع آمریکا را
تماشایی می خواند و از افول آمریکا
صحبت می کند. به راستی چرا؟
" مگر می شود آمریکایی که
تمام معادلات تجاری دنیا حول
دلار او می چرخد افول کند؟ "
" اصلا چطور ممکن است صاحب
بزرگترین زرادخانه اتمی در جهان
از ابر قدرت بودن کنار برود؟ "
به نظرم برای یافتن پاسخ این
سوالات لازم است که به سراغ
تاریخ برویم.

ادامه در صفحه ۳



توییت ۱۰ صفحه

معرفی کتاب ۹ صفحه



سامانه امید

همه چیز را حل نمی کند!!!

✎ مهدی محمودی، حسین شامنصوری

دقیقا ۹ ماه پیش بود که زمزمه های ورود کرونا به کشور شنیده شد.
دیری نپایید که به این شایعات مهر صحت خورد و حضور این مهمان
ناخوانده در کشور تایید شد. نظام آموزشی طبیعتا غافلگیر و دچار
سردرگمی شد. کلاسها باید از راه دور برگزار می شدند و بستری جز فضای
مجازی یافت نمی شد. تقریبا بر همه ی دانشگاه های کشور، امری جز
تجربه ی محدود آموزش از راه دور حاکم نبود و در پی آن، هم مسئولین
دانشگاهی و هم دانشجویان دچار چالش ها و مشکلات زیادی شدند.
مشکلاتی که به طور عمده از ضعف های زیر ساختی منشا می گرفتند،
به مرور و با پیگیری های مسئولین دانشگاه، اساتید و دانشجویان،
ظاهرا پله پله رفع می شدند.

ترم جدید با راه اندازی بستری با امکانات جدید، وعده های کاهش
بسیاری از مشکلات ترم قبل و بر طرف شدن نواقص پیشین،
آغاز شد اما پس از گذشت مدتی نه چندان دور، عیوب به ظاهر
حل شده ی سامانه ی امید، نمایان شد.

ادامه در صفحه ۲

پرونده ویژه نشریه الف به مناسبت
سالروز صلح تاریخی امام حسن (ع)

صلح مقدس دیدار اسلحه سوجویان امروز

✎ محمد رمضانی

تاریخ زندگانی اهل بیت (ع) پر از
عبرت ها و پندهای جاودان برای
امت اسلام است تا حدی که با
شناسایی نقاط ضعف و قوت گزاره های
آن می توان در بهبود شرایط اجتماعی
و سیاسی فعلی جامعه مبادرت کرد.
اما آنگاه که تاریخ مورد تحریف
قرار گرفت و برداشتهای سیاسی و
جناحی جایگزین برداشتهای
راهگشای معرفتی قرار گرفت،
ممکن است مسیر ارزشی یک
ملت را به سوی پرتگاه های عمیق
تغییر دهد و جامعه را بادستاندازهای
جبران ناپذیر هویتی مواجه کند.
در ادامه به بررسی علت و چرایی
صلح امام حسن (ع) خواهیم
پرداخت.

ادامه در صفحه ۵

جلسه معارفه



آیین نودانشجویان دانشگاه سمنان،
مخمسوم دانشجویان جدیدالورود
به صورت مجازی در تاریخ ۱۳۹۹/۸/۲۶ ساعت ۱۳
در بستر Adobe Connect برگزار خواهد شد.

ادامه اخبار روز صفحه ۸

علاوه بر موارد مذکور، هنگامی که تدریس از مدت زمان دو ساعت فراتر می رود، سیستم باید ملاک حضور در کلاس را همان دو ساعت در نظر بگیرد که به هیچ وجه چنین چیزی دیده نشده و در صورت تجاوز مدت آموزش از زمان مقرر در برنامه هفتگی، ملاک همچنان میزان باز ماندن برنامه است.



توجه داشته باشید که تنها جلساتی که استاد معیار درصد حضور و غیاب آن را ثبت کرده است برای شما قابل مشاهده می باشد

تاریخ شروع جلسه	تاریخ پایان جلسه	تعداد حاضران	نوع جلسه	حضور و غیاب
۱۳۹۹/۸/۱۰ ۰۹:۵۹	۱۳۹۹/۸/۱۱ ۱۴:۰۰	۵۶	طبق برنامه	معیار حضور: ۷۰%
				حضور شما: ۶۳.۴۶
				غایب

۳. با گذشت ۹ ماه آموزش مجازی در بستر Adobe Connect، متأسفانه همچنان فقدان آموزش مناسب اساتید در جهت آشنایی با نحوه ی استفاده از این سامانه و تعامل با دانشجویان، احساس میشود. از طرف واحد علمی- صنفی تشکل انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سمنان، به مسئول محترم آموزش دانشگاه پیشنهاد می شود که در اسرع وقت، آموزش های مناسبی در این باره به اساتید ارائه گردد.

۴. با وجود پیگیری مسئولین زحمت کش دانشگاه سمنان و اعلام وزارت ارتباطات در خصوص ایجاد امکان ثبت دامنه های ارتباط با مراکز دانشگاهی با هدف رایگان شدن ترافیک آموزش های مجازی، هنوز برخی دانشجویان مدعی کاهش حجم بسته اینترنتی خود هنگام استفاده از آموزش های دانشگاه سمنان هستند. با مراجعه به سایت وزارت ارتباطات و مشاهده لیست دامنه های ثبت شده و نیافتن آدرس برخی از دامنه های مربوط به آموزش مجازی دانشگاه سمنان، میتوان به صحت ادعای دانشجویان پی برد.

اما مسئله ای که گرچه در لیست ایرادات سامانه و آموزش مجازی نمی گنجد اما از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، قوانین آموزشی می باشد. نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۸-۹۹ و ورود ناگهانی کرونا به ایران منجر به تصمیمات صحیح و قابل تقدیر مسئولین ذی ربط شد؛ تغییر قوانین آموزشی مطابق با شرایط کلاس های مجازی و کاستی های زیر ساختی، از قبیل حذف محدودیت غیبت، حذف قانون مشروطی و جواز حذف ترم بدون احتساب سنوات، به رفع نگرانی های دانشجویان در آن ترم کمک شایانی کرد.

سامانه امید

همه چیز را حل نمی کند!!!

به چند نمونه از عیوب و مشکلاتی که رفع شده بود، ولی اعتراضات و شکایات دانشجویان را در پی داشت، به شرح ذیل اشاره خواهد شد؛

۱. عدم توانایی ارائه خدمات به کاربر، قفل شدن سامانه و خارج کردن کاربر از کلاس درس و حتی خود سایت.

از آنجایی که به خاطر شرایط کرونایی، امکان ارزیابی دانشجویان به روش های سنتی و امتحانات حضوری وجود ندارد و همچنین برای جلوگیری از تخلفات آموزشی و ضایع شدن حق دانشجویان تلاشگر، بار ارزیابی آنها و لحاظ کردن نمره ی پایان ترم، میان فعالیتهای ترمی و کلاسی تقسیم شد. به همین علت، واضح است که اگر این ایرادات حل نشوند و در حین برگزاری امتحانات میان ترم و پایان ترم که دارای زمان محدود در سامانه است رخ دهد، در صورت عدم توانایی اثبات، ضربه ی بزرگ و غیر قابل جبرانی به دانشجویان وارد می آید.

۲. مورد بعدی که کاملاً محسوس است، نحوه ی حضور و غیاب در سامانه ی امید است که بسیار جای نقد دارد. حضور و غیاب را سیستم بر اساس درصد نسبت حضور دانشجویان به حضور استاد در کلاس و فعال و باز بودن صفحه ی درس مربوطه می سنجد. این ایده، منطقی جلوه میکند، اما مشکل دانشجویان زمانی آغاز میشود که استاد، آموزش کافی را برای استفاده از سامانه فرا نگرفته است.

به عنوان مثال؛ استاد اعلام می کند که درس و کلاس به اتمام رسیده است، اما از کلاس خارج نشده و کلاس را نمی بندد!! و گاهی ملاحظه شده است که برخی از اساتید در زمان هایی خارج از برنامه ی هفتگی وارد کلاس میشوند و همه ی دانشجویان آن کلاس، غایب تلقی میشوند بدون آنکه حتی فکرش را کنند.



اما سوالی که مطرح می شود این است؛ از میان شرایط کرونایی و ضعف زیر ساختی برای پوشش تمامی کلاسهای آنلاین بدون قطعی و اخلال، عدم دسترسی همه ی دانشجویان به اینترنت مناسب، وجود امکان تخلفات آموزشی-امتحانی و تسلط ضعیف تعداد قابل توجهی از اساتید جهت استفاده از بسترهای مجازی و تعامل با دانشجویان، کدام یک تغییر محسوس کرده و نتیجه ی مطلوب حاصل شده که قوانین و شروط فوق مجدداً به لیست قوانین آموزشی بازگشته اند؟! آیا به واقع نگرانی هایی که منجر به حذف و در نظر نگرفتن این قوانین شده بود، همگی به طور کامل برطرف شده اند؟! سخن آخر: امید است که درک متقابل میان دانشجویان، اساتید و مسئولین دلسوز و باتجربه ی دانشگاه، به خاطره ای خوش از آموزش مجازی در دوران کرونایی تبدیل شود.

۲- نادر مهدوی، جوان بوشهری وقتی می شنود که امام گفته است "اگر من بودم ناو آمریکایی را در خلیج فارس هدف قرار می دادم"، دیگر آرام و قرار نمی گیرد. با جمعی از نیروهای سپاه بوشهر سوار قایق های معمولی می شوند و به سمت ناو بریجتون حرکت می کنند. سوپر تانکر نفتکشی که بدون اجازه در حال حرکت در خلیج فارس است و امنیت جمهوری اسلامی را به خطر می اندازد، توسط پنج ناو نظامی اسکورت می شود. اما شهید نادر مهدوی و رفقاییش با آرپیچی این ناو را هدف قرار می دهند و آن را منهدم می کنند. آری، انهدام کردن ناوگروه نظامی ایالات متحده با آر پی جی!

۳- نیروی هوافضای سپاه چند ماه است که حضور پهپاد های جاسوسی آمریکا را در کشور حس می کنند. به آمریکایی ها اخطار می دهند اما آن ها میگویند که شما حتی قادر به دیدنشان روی رادار نیستید چه برسد به ساقط کردن! خبر می سد که سپاه پیشرفته ترین هواپیمای بدون سرنشین آمریکا را تحت کنترل خود در آورده و اکنون در حال مهندسی معکوس آن می باشد. اوباما رئیس جمهور ایالات متحده پشت تریبون حاضر می شود و از ربوده شدن پهپاد آمریکایی در خاک ایران سخن می گوید. این بار خبری از تهدید نیست، اوباما از ایران خواهش می کند که پهپاد را پس بدهد. جمعی از دانشجویان هم در جواب این تقاضا دلشان به رحم می آید و هواپیماهای کاغذی درست می کنند و برای سفارت آمریکا می فرستند!

۴- جوزف استیگلیتز اقتصاددان آمریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد کتابی می نویسد و در آن اعلام می کند که اقتصاد دنیا در حال نابودی است و انتقادات شدیدی به صندوق بین المللی پول و بانک جهانی می کند. شاید خیلی از ماها نمی دانیم که آمریکا به اقتصاد دنیا ۲۲ تریلیون دلار بدهی دارد که چند برابر مجموع بدهی بقیه ی کشور های در این لیست است! آمریکا با افشاگری ترامپ برای حضور نظامی در خاورمیانه و تشکیل داعش مبلغی معادل ۷ تریلیون دلار خرج کرد اما نهایتاً شکست خورد.



۱- یک سال از انقلاب اسلامی گذشته است و امام حرکت گروهی از دانشجویان را انقلاب دوم می خواند. دانشجویان از دیوار سفارت آمریکا بالا رفته، با آن ها درگیر شدند و سفارت آمریکا در تهران را تسخیر کردند. با اسنادی که از فعالیت آن ها کشف شد، اسم آن جا را به لانه ی جاسوسی تغییر می دهند. افراد سفارت را گروگان گرفته و آمریکا را تهدید می کنند که در صورتی گروگان ها آزاد می شوند که آمریکا شاه را به کشور برگرداند. اولین باری است که در دنیا، حکومتی به سفارت ایالات متحده حمله می کند و علاوه بر گروگانگیری، برایش شرط هم تعیین می کند! آمریکا ایران را تهدید می کند که اگر گروگان ها آزاد نشوند به ایران حمله نظامی خواهد کرد. در نهایت نیروی ویژه ی دلتا فورس را روانه ایران می کند. اما در صحرای طبس، هلیکوپترها دچار خودزنی می شوند و همه در آتش می سوزند. عملیات نجات گروگان ها هم می رود روی هوا!

۸- انتخابات آمریکا؛ ترامپ و بایدن که در مناظره ها حسابی از خجالت هم در آمده اند و انواع الفاظ ادبی ارزشی را تثار هم کردند، حالا قبل از شروع انتخابات آمریکا همدیگر را به تقلب و دخالت در انتخابات متهم می کنند. طرفداران ترامپ هم برای رعایت کامل احترام به حریف در انتخابات، تعدادی مزدور نظامی اجیر می کنند. هردو نامزد قبل از اعلام نتایج خود را برنده انتخابات معرفی می کنند. در پایان هم فقط چند هزار صندوق ناقابل پیدا می شود که با سهل انگاری از شمارش جا مانده بود.

این جا آمریکاست مهد دموکراسی غرب!

تمام این ها گوشه ای از افتضاحات آمریکا در دنیا و تحقیر ایالات متحده توسط ایران بود.

جوزف نای صاحب نظریه قدرت نرم می گوید که: "قدرت نرم یعنی شما یک قصه ای داشته باشید و قصه ی شما توسط مردم دنیا پذیرفته شده باشد."

قصه ی آمریکا رویای زندگی آمریکایی بود. حالا به سرعت در حال رسیدن به پایان این رویا هستیم. به نظر من که اوضاع آمریکا تماشایی است و تماشایی تر هم می شود. نظر شما چیست؟



۵- نیروی دریایی سپاه در خلیج فارس، یک ناو آمریکایی را به جرم حضور غیرقانونی در آب های ایران دستگیر می کند. کماندو های آمریکایی مقابل سربازان ایرانی زانو می زنند و به اسارت گرفته می شوند. به گفته ی خودشان حتی وقت نمی کنند که سرپوش اسلحه های خود را بردارند.

فیلم گریه کردن سوپر کماندوهای ایالات متحده، چهره ی ابر قدرتی آمریکا را نزد نیروهای نظامی ایران نابود می کند. طوری که چندسال بعد در خرداد ۹۸، گلوبال هاوک، گران ترین هواپیمای بدون سرنشین آمریکا در خلیج فارس توسط پدافند سوم خرداد ساقط می شود. ترامپ چندمرتبه توهین می زند و ایران را تهدید به حمله می کند. اما مشاوران نظامی اش او را قانع می کنند که دست از این حماقت بکشد. نهایتاً به خاطر هدف قرار ندادن هواپیمای دوم از ایران تشکر می کند!

لاشه ی تکه تکه شده ی گلوبال هم در نمایشگاه درس های عبرت سپاه قرار می گیرد.

۶- برای اولین بار بعد از جنگ جهانی، کشوری مستقیماً به سمت آمریکا شلیک می کند. اما نه با کلاشینفک، با موشک! آمریکایی ها این طور تیتتر می زنند: "درست در لحظاتی که پیکر ژنرال سلیمانی در حال خاکسپاری بود، ایران به بزرگترین پایگاه آمریکا در عراق حمله ی موشکی کرد و بیشتر تجهیزات پایگاه عین الاسد با خاک یکسان شد." سردار حاجی زاده هم در مصاحبه خبری می گوید: "در صورت پاسخ آمریکایی ها، چند هزار فروند موشک آماده شلیک به تمام پایگاه های آن ها در منطقه بود." اما متاسفانه یا خوشبختانه آمریکا هیچ غلطی نکرد تا شاهد سقوط تمام پایگاه هایش باشیم. البته همه می دانیم که انتقام سخت همچنان باقیست.

۷- دنیا در حال دست و پنجه نرم کردن با ویروسی به نام کووید ۱۹ است. از چین شروع شد و تقریباً دو ماه طول کشید که به سایر کشورهای آسیایی و اروپایی برسد. آمریکا جزو آخرین کشوری هایی بود که وجود کرونا را در کشورش اعلام کرد. همه انتظار داشتند که بیمارستان ها و مراکز پیشرفته ی پزشکی آمریکا به سرعت واکسن این ویروس را کشف کنند، اما ایالات متحده با اختلافی بسیار زیاد، آمار بیشترین میزان ابتلا و همچنین مرگ و میر ناشی از کرونا را به خود اختصاص داد و حدود ۹ ماه است که در صدر این لیست قرار دارد. تصاویر پزشکان و پرستاران آمریکایی که در نبود لوازم بهداشتی و پزشکی، کیسه زباله پوشیده اند در شبکه های اجتماعی دست به دست می شود. ترامپ هم به عنوان رئیس جمهور پیشرفته ترین کشور دنیا به مردم توصیه می کند که: "وایتکس بخورید!"

صلح مقدس دیروز، اسلحه سودجویان امروز

از سوی دیگر، امامان معصوم(ع) حجت خدا بر مردم هستند و از این رو رفتار و گفتارشان حجت است. بر این اساس، صلح امام حسن(ع) عملی است که از سوی حجت خدا انجام شده و قطعاً دلایل بسیار مستحکم و متقنی داشته، گرچه دیگران آن را ندانند؛ چنانکه آن حضرت خود بدان اشاره کرده است.

شیخ صدوق به سند خود از ابی سعید عقیصا روایت کرده که گفت: وقتی به نزد امام حسن(ع) رفتم و به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چرا با این که می‌دانستی حق با شماست، با معاویه گمراه و ستم‌گر صلح کردی؟! امام فرمود: ای ابا سعید! آیا من حجت خدا بر خلق او و امام آنها پس از پدرم نیستم؟ گفتم: چرا! فرمود: پس من اکنون امام و رهبرم، چه قیام کنم و چه نکنم. ای ابا سعید! علت مصالحه من با معاویه همان علت مصالحه‌ای است که رسول خدا(ص) با بنی‌نضیر... و مردم مکه کرد؛ آنان کافر بودند به تنزیل (ظاهر آیات قرآن) و معاویه و اصحاب او کافرند به تأویل (باطن آیات قرآن). ای ابا سعید! وقتی من از جانب خدای متعال امام هستم، نمی‌توانم مرا در کاری که کرده‌ام، چه جنگ و چه صلح، تخطئه کرد؛ اگر چه سرّ کاری را که کرده‌ام، برای دیگران روشن و آشکار نباشد.

شماری بر این باورند، که علت اصلی صلح امام حسن(ع) انجام وظیفه بود، زیرا امامان معصوم هر کدام وظیفه خاصی داشته‌اند که از سوی خداوند تعیین شده است. از امام صادق(ع) روایت شده که فرمودند: «به راستی که وصیت به صورت کتابی از آسمان بر محمد(ص) نازل گردید و نامه مهر شده‌ای جز وصیت بر آن حضرت نازل نشد. جبرئیل عرض کرد: ای محمد! این است وصیت تو در امت خویش که نزد خاندانت خواهد بود. رسول خدا(ص) فرمود: ای جبرئیل! کدام خاندانم؟ عرض کرد: بندگان برگزیده خدا از آنها و دودمانشان، تا علم نبوت را از تو ارث برند، به راستی وصیت، مهرهایی بود، پس علی(ع) مهر اول را گشود و هر چه در آن بود بر طبق آن عمل کرد؛ سپس حسن(ع) مهر دوم را گشود و هر چه در آن بود به آن عمل کرد و چون حسن(ع) از دنیا رفت، حسین(ع) مهر سوم را گشود و دید دستور خروج و کشتن و کشته شدن در آن بود.»

اگر علت صلح امام حسن(ع) انجام تکلیف الهی باشد؛ بدین معنا که خداوند چنین وظیفه‌ای را برای آن حضرت تعیین کرده است، اشکال و شبهه‌ای بر صلح ایشان وارد نیست، و اگر می‌بینیم برخی اشکال‌هایی بر آن وارد می‌کنند به این دلیل است که سرّ آن را نمی‌دانند.

شاید همین دلیل (رعایت مصالح عمومی) بوده که پیامبر اسلام (ص) درباره امام حسن (ع) فرمود: «همانا پسر من پیشوای مسلمانان است و امید است خداوند به دست او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان، صلح برقرار کند.»

تشکیل حکومت و دفاع از آن، به پشتوانه مردمی نیاز دارد. اگر حکومت را به کبوتری تشبیه کنیم که با دو بال به سوی مقصد پرواز می‌کند، آن دو بال، مردم و رهبر هستند. در متون اسلامی از رهبر به واژه «امام» و از مردم به واژه «امت» یاد شده است و این، پیوند عمیق آن دو را می‌رساند. حکومت بدون مردم، همانند کبوتری بال شکسته است که به هدف نهایی نمی‌رسد؛ از این رو در اسلام به مردم سالاری توجه خاصی شده است.

بی‌گمان یکی از علل اصلی صلح امام حسن (ع) نیز حمایت نکردن مردم از آن حضرت بود. اگر مردم کوفه از او حمایت می‌کردند و فرماندهان سپاهش به او خیانت نمی‌کردند، حضرت صلح نمی‌کرد؛ چنان‌که فرمود: «به خدا سوگند، من از آن جهت کار را به او سپردم که یآوری نداشتم، اگر یآوری می‌داشتم، شبانه روز با معاویه می‌جنگیدم تا خداوند میان ما و او حکم کند.»

مردم و فرماندهان حضرت به امام خیانت کردند. در این خیانت، دنیاگرایی، عدم رشد سیاسی و تبلیغات معاویه بسیار تأثیر گذار بود. در این جا لازم است به صورت مختصر به فعالیت‌های امام و خیانت مردم و فرماندهان آن حضرت اشاره شود.

بعد از شهادت امام علی (ع) مردم با امام حسن مجتبی (ع) بیعت کردند و آن حضرت بلافاصله مدیران خود را به شهرها فرستاد. وقتی معاویه از واقعه باخبر شد، به دو جاسوس مأموریت داد تا از شهر اطلاعات کسب کنند. امام حسن (ع) از ماجرا آگاه شد و هر دو را دستگیر کرد و گردن زد. آن‌گاه به معاویه نامه نوشت: جاسوس فرستاده‌ای، گویا قصد جنگ داری! اگر چنین است، آماده جنگ هستم.

پس از چند بار مکاتبه، معاویه با لشکریان فراوانی به سوی عراق حرکت کرد و برای سران منافقان که سابقاً در لشکر علی (ع) بودند و چهره منافقانه خود را پوشانده و اینک در لشکر امام مجتبی (ع) به سر می‌بردند، مخفیانه نامه نوشت که اگر حسن بن علی (ع) را به قتل برسانند، دویست هزار درهم به هر یک می‌دهد، به علاوه این‌که آنها را امیر یکی از لشکریان شام خواهد نمود. معاویه با این شیوه، اکثر منافقان را متوجه خود ساخت و حتی روزی یکی از آنها در اثنای نماز به جانب حضرت تیر انداخت، اما چون آن بزرگوار زره پوشیده بود، اثر نکرد. آری، منافقان در ظاهر به حضرت اظهار محبت می‌کردند، اما در خفا به معاویه نامه می‌نوشتند که با تو هستیم.

وقتی خبر لشکرکشی معاویه به امام رسید، بالای منبر رفت و مردم را به جهاد دعوت کرد، ولی کسی اجابت نکرد، اما با ترغیب عدی بن حاتم گروهی برخاستند و با او موافقت کردند.

آیا خضر (ع) را ندیدی که وقتی آن پسر را به دلیل سوراخ کردن کشتی کشت و آن دیوار را بر پا داشت، موسی (ع) به کار او اعتراض کرد؟ زیرا سر آن را نمی‌دانست؛ اما وقتی علت آن را فهمید، راضی شد. و همین گونه است کار من که چون شما سر آن را نمی‌دانید، مرا هدف اعتراض قرار داده‌اید.

در فرهنگ امامان، حفظ دین و احیای معارف اهل بیت (ع) محوری‌ترین عنصر است. به همین دلیل تشکیل حکومت، قیام، صلح و سکوت آنها همه در جهت حفظ اسلام و احیای سنت شکل می‌گیرد. اگر در شرایطی اسلام به واسطه قیام حفظ شود، آنان قیام می‌کنند و اگر در مقطعی دیگر سکوت آنها موجب حفظ اسلام شود، سکوت می‌کنند، هر چند این سکوت، باعث از دست رفتن حق مسلم آنان شود. امام علی (ع) فرمود: «سلامة الدین احب الینا من غیره.»

بر این اساس، یکی از علل مهم صلح امام حسن (ع) را می‌توان «حفظ دین» بیان کرد، زیرا وضعیت جامعه اسلامی در شرایطی قرار داشت که ممکن بود جنگ با معاویه، اصل دین را از بین ببرد. مضافاً این‌که اوضاع بیرونی جامعه اسلامی نشان می‌داد که روم شرقی آماده حمله نظامی به مسلمانان بود.

از سوی دیگر، مردم نیز از نظر فرهنگی در وضعیتی قرار داشتند که خون‌ریزی و جنگ، نوعی بدبینی به دین و مقدسات را به وجود می‌آورد. شاید بر همین اساس باشد که امام حسن (ع) یکی از دلایل صلح خود را حفظ دین بیان کرد؛ چنان‌که او در پی اعتراض برخی از شیعیانش فرمود: «اتّی خشیت ان یجتث المسلمون عن وجه الارض فاردت ان یکون للذین ناعی؛ ترسیدم ریشه مسلمانان از زمین کنده شود و کسی از آنان باقی نماند؛ از این رو با مصالحه‌ای که انجام گرفت، خواستم دین خدا حفظ شود.»

رعایت مصالح عمومی، خردمندانه‌ترین استراتژی‌ای است که از سوی رهبران دل‌سوز و آزادی خواه، به ویژه رهبران الهی اتخاذ می‌شود، زیرا آنان هیچ‌گاه مصالح عمومی را فدای مصالح فردی و گروهی نمی‌کنند. امام حسن (ع) نیز برای جلوگیری از خون‌ریزی و رعایت مصالح مسلمانان، تن به صلح داد؛ چنان‌که آن حضرت خود فرمودند: «من صلح را پذیرفتم تا از خون‌ریزی جلوگیری کنم و جان خود، خانواده و اصحاب صمیمی خویش را حفظ کرده باشم.»

وی می‌دانست که برخی او را مذل المؤمنین خواهند خواند و برخی به او بی‌احترامی و اهانت خواهند کرد، ولی همه این سختی‌ها را تحمل نمود تا مصالح عمومی تهدید نشود، زیرا جنگ با معاویه نه به نفع کوفیان بود و نه به نفع شامیان، بلکه زمینه حمله نظامی رومیان را به جهان اسلام فراهم می‌کرد. ابن واضح یعقوبی می‌نویسد: معاویه در سال چهل و یکم [هجری] به شام برگشت و وقتی خبر یافت که لشکر روم با سپاهیان انبوه، راه جنگ را در پیش گرفته است... با فرستادن صد هزار دینار با او صلح کرد.»



امام فرمود: اگر راست می‌گویید، به نخيله بروید، ولی می‌دانم به گفته خود وفا نخواهید کرد؛ چنان‌که با بهتر از من (امام علی) وفا نکردید.

حضرت به نخيله رفت و متوجه شد اکثر آنها که اظهار اطاعت کرده بودند، در آن‌جا حاضر نشده‌اند. امام در نخيله سخن رانی کردند و سپس مردی از قبيله کنده را به نام «حکم» با چهار هزار نفر به سوی لشکر معاویه فرستادند و امر کردند در منزل انبار توقف کنید تا فرمانم برسد، اما وقتی به انبار رسید و معاویه از این رخداد آگاه گردید، پیکی نزد «حکم» فرستاد که اگر به طرف ما بیایی و از حسن بن علی (ع) دست برداری، یکی از ولایت شامات را به تو می‌دهم و پانصد هزار درهم برایش فرستاد. او امام را رها کرد و با دویست نفر از اقوام و دوستان نزدیک خود به معاویه پیوستند. پس از آن، امام فرد دیگری را از قبيله بنی مراد همراه چهار نفر به سوی انبار فرستاد که او هم فریب معاویه را خورد و به وی پیوست. حضرت بعد از خیانت فرماندهان به محلی به نام «دیر عبدالرحمن» کوچ کرد. همه سپاه سه روز در آن‌جا اقامت کردند تا این‌که چهل هزار سواره و پیاده جمع شدند. امام دوازده هزار نفر را به فرماندهی عبید الله بن عباس به جنگ با معاویه فرستاد و فرمود: امیر لشکر، عبید الله بن عباس است. اگر حادثه‌ای برایش پیش آمد، قیس بن سعد، امیر باشد و چنان‌که برای قیس هم عارضه‌ای اتفاق افتاد، پسرش سعید بن قیس، امیر باشد. لشکر حرکت کرد و امام به شهر سباب رفتند تا مردم را به جنگ با معاویه تهییج کنند. آن حضرت در ضمن سخنان خود فرمودند: تفرقه و تشتت را کنار بگذارید. گوش به فرمان باشید. آنچه من صلاح شما را در آن می‌بینم، نیکوتر است از آنچه شما صلاح خود را در آن می‌دانید.

بعد از اتمام سخن رانی، عده‌ای از منافقان که جز خوارچ بودند از جا بلند شدند و فریاد زدند: به خدا قسم! این مرد کافر شده است. گروهی علیه آن بزرگوار شورش کردند و به خیمه آن حضرت ریختند و هر چه بود غارت کردند، حتی سجاده او را از زیر پایش کشیدند و بردند. وقتی امام اوضاع را چنین دید، به همراه جمعی از اصحاب با وفای خود به طرف شهر مدائن حرکت نمودند. در تاریکی شب شخصی به نام «جراح بن سنان» خود را به حضرت رساند و لجام اسبش را گرفت و گفت: ای حسن! کافر شدی؛ چنان‌که پدرت کافر شد. آن‌گاه با تیغ یا خنجر به ران مبارک حضرت زد و او را مجروح ساخت.

امام حسن (ع) برای امتحان آمادگی مردم برای جنگ با معاویه، فرمود: «اگر آماده نبردید، صلح را رد کنیم و با تکیه بر شمشیرمان کار او را به خدا واگذاریم؛ اما اگر ماندن را دوست دارید، صلح او را بپذیریم و برای شما تأمین بگیریم». در این هنگام مردم از هر سوی مسجد به فریاد در آمدند و با ندای «البقیه، البقیه» صلح را امضا کردند.

هم‌چنین آن حضرت فرمود: «به خدا سوگند، اگر با معاویه درگیر شوم، اینان گردن مرا گرفته، به صورت اسیر به او تحویل می‌دهند.»

حافظ می‌نویسد: «وقتی امام حسن (ع) در هم ریختگی سپاه خود را دید، با شناختی که از برخوردهای مختلف این مردم با پدرش داشت و می‌دانست که هر روز به نوعی و رنگی رفتار می‌کنند، از حکومت کناره گرفت.»

بی‌تردید صلح امام (ع) خاری در چشم و استخوانی در گلوئی آن بزرگوار بود، اما چاره‌ای هم نداشت. سید عبدالحسین شرف الدین می‌نویسد: «صلح امام حسن (ع) با معاویه، از دشوارترین حوادثی بود که امامان اهل بیت پس از رسول اکرم (ص) از ناحیه این امت بدان دچار شدند. امام حسن (ع) با این صلح، آن چنان محنت طاقت‌فرسایی را متحمل شد که هیچ کس جز به کمک خدا قادر بر تحمل آن نیست؛ لیکن او از این آزمایش سربلند و پیروز بیرون آمد.»

آن حضرت در برابر پیشنهاد صلح از سوی معاویه، خطاب به مردم فرمود: «معاویه ما را به چیزی خوانده که نه در آن عزت و بزرگواری است و نه انصاف. اکنون اگر طالب زندگی هستید، از او بپذیریم و این خار را در دیده فرو برده و دیده را بر هم نهیم و اگر خواستار مرگ (با عزت) هستید، ما جان خود را در راه رضای خدا بذل می‌کنیم و محاکمه معاویه را به خدای یکتا وامی‌گذاریم.»

با توجه به مطالب فوق باید گفت: صلح امام حسن (ع) قهرمانانه‌ترین نرمش تاریخ است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی آن عصر به وجود آمد.

تاریخ زندگانی امام حسن مجتبی (ع) به ویژه در ماجرای انعقاد عهدنامه با معاویه دارای ابعادی است که به دلیل ویژگی خاص آن، به راحتی تحریف‌پذیر است به گونه‌ای که حتی در دوران امامت آن حضرت همواره پر چالش‌ترین و پر تنش‌ترین مسائل بین مسلمانان شناخته می‌شد. این توافقنامه بعد از جنگی صورت گرفت که بر اثر زیاده خواهی معاویه و خودداری او از بیعت با امام حسن (ع) به عنوان خلیفه مسلمانان روی داد. عمده علت پذیرش صلح از سوی آن حضرت را نه تمایل خود آن حضرت بلکه سستی مردم عراق در جنگ و توطئه معاویه در تطمیع سران سپاه دانسته‌اند. متأسفانه به دلیل عدم وجود بینش جامع و بصیرت لازم، عموم مردم امام حسن مجتبی (ع) را متهم به سازش با دشمن کردند، سازشی که همراه با ترس از هیاهوی دشمنان اسلام است.

متأسفانه امروزه هم برخی به دلیل منافع و انگیزه‌های شخصی، دین را وارونه تفسیر کرده و خود و پیروان خود را دچار مشکل می‌کنند، این افراد اسلام و آیات را تفسیر به رأی می‌کنند و برداشت‌های خود را ارائه می‌دهند که واقعیت ندارد.

اگر امام مجتبی (ع) با معاویه از سر ناچاری وارد صلح می‌شوند نباید تفسیر نادرست داشته باشیم چراکه صلح ایشان زمینه‌ساز قیام امام حسین (ع) بوده است.

در این چند ساله بسیار شنیده ایم که برخی از افراد می‌گویند همان‌طور که امام حسن (ع) صلح کرد تا معاویه را معرفی کند، ما نیز با دشمنان صلح کنیم؛ سوال اینجاست که آیا ما دشمنان خود را نمی‌شناسیم و باید صلح کنیم تا آمریکا و مستکبرین عالم و کسانی که دستور شهادت سردار سلیمانی را دادند را به مردم بشناسانیم؟
مطالعه در اسناد تاریخی به ویژه در تاریخ اسلام به نوعی برای همه قابل ارزش است و می‌تواند بسیاری از حقایق را روشن کند. قیاس این دو موضوع یعنی صلح امام حسن (ع) با معاویه و زخم‌هایی در باره مذاکره با آمریکا، قیاسی کاملاً باطل است.

اخبار روز

تظاهرات بزرگ

«کیلی مک اینانی» سخنگوی کاخ سفید، روز جمعه مدعی شد که تظاهراتی بسیار بزرگ از سوی هواداران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در واشنگتن برگزار خواهد شد.



۵ واکسن ایرانی

کیانوش جهانپور، سخنگوی سازمان غذا و دارو در توییتی نوشت: تا این لحظه، ۵ واکسن ایرانی در فهرست کاندیداهای واکسن کووید ۱۹ سازمان جهانی بهداشت قرار گرفته‌اند.



امنیت، میراث خون شهدا

عناصر مسلح تروریستی، در حوزه گروهان مرزی "تکور" در استان آذربایجان غربی، جمعه حدود ساعت ۱۳:۵۰ با تعدادی از عوامل مرزبانی به صورت مسلحانه درگیر شدند که با رشادت و ایثار نیروهای جان بر کف مرزبانی، از ورود آنها به داخل کشور جلوگیری به عمل آمد. در این درگیری متأسفانه ۳ نفر از نیروهای مرزبانی به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.





معرفی کتاب:

نخل و نارنج

سجاد مشهدی حسن



برای این که کمی با حال و هوای کتاب آشنا تر شوید، قسمتی از کتاب را با هم می خوانیم:

«شیخ لرزید و دانست که سید علی از چه چیز سخن می گوید.

– در مدرسه تو کسانی خواهند نشست که هر کدام بار بزرگی را در آینده به دوش خواهند کشید؛ بعضی هم اکنون طفل اند و سالیانی بعد به تو خواهند پیوست. تو هم باید خود را باغبانی کنی و هم آن ها که در باغ تو می رویند. پیش تر در رویا به تو گفته بودم، از چشمه ای که مولایمان در قلبت به جوش آورده، دو رود برای همیشه جاری خواهد شد؛ آن طور که هر طالب علمی که بخواهد در زمره ی مجتهدان شریعت حقه باشد، باید از آن دو رود سیراب شود؛ دو کتاب که عیار فقه اهل بیت(ع) خواهد بود.

–و تا آن زمان چگونه خواهیم بود؟

–ما با هم خواهیم بود؛ حتی در همان آرمستان ابدی، در باب القبله ی حرم مولایمان.»

حتما کتاب را تهیه کنید؛ بخوانید و لذت ببرید.

معرفی کتاب نخل و نارنج
اگر دوست دارید تجربه همسفر شدن با یک شخصیت بزرگ تاریخی را در قالب یک رمان تجربه کنید، نخل و نارنج، پیشنهاد خوبی برای شماست. عنصری که در نخل و نارنج، پررنگ تر از عناصر دیگر انسان را با این کتاب همراه می کند، لحظه لحظه عمیق شدن و تفکر کردن در شخصیت اصلی کتاب است که انسان را هر لحظه از پیش همراه تر میکند. یکی دیگر از نکاتی که با خواندن کتاب شما را درگیر خود می کند، حس غبطه خوردن به شخصیت اصلی کتاب است. وحید یامین پور، نویسنده نخل و نارنج هم در جای جای این کتاب سعی کرده تا این حس را بیشتر در وجود خواننده بیافریند. اگر کمی دقیق تر تشریح کنم، نخل و نارنج روایت شور و شوق شیخ اعظم، خاتم الفقها و المجتهدین، مرتضی انصاری است که همچنان به عنوان نگین درخشان علم و تقوا ستایش می شود. آنچه در این کتاب می خوانید، داستانی است که هر چند به قلم خیال نگاشته شده است، کوشش شده بر اسناد و واقعیت های تاریخی استوار باشد. در ادامه به نظر چهره های مختلف فرهنگی درباره این کتاب می پردازیم.

سعید جلیلی در یادداشتی کوتاه درباره این کتاب می نویسد: «از جمله نیاز های نسل امروز، آشنایی با چهره های بزرگی است که علاوه بر آثار علمی، زندگی آن ها نیز درس آموز است. برادر گرامی، آقای وحید یامین پور، ظریفی از حیات شیخ اعظم، مرتضی انصاری را در قالب رمان به خوبی به تصویر کشیده است.»

آیت الله سید مهدی میرباقری درباره نخل و نارنج می گوید: «کتاب را که در دست گرفتم، زمین نگذاشتم و تا آخر با دقت خواندم. بسیار لطیف بود. لذت بردم. این را می دانیم که رمان قالب خاصی است و نگارش آن تبحر ویژه ای می طلبد. نویسنده نیز قصه ها را خوب کنار هم چیده و ورود و خروج خوبی داشته است. فخامت ادبیات کتاب، قابل توجه بود.»

بد نیست بدانید که نخل و نارنج، طی هجده ماه رکورد انتشار ۶۳ هزارمین نسخه را زد و به چاپ چهل و یکم رسید.

توییت باران
@baran_twt

اینکه سپاه تو روز انتخابات امریکا از تیربار موشکی رونمایی میکنه نشون میده؛
ما منتظر نتایج انتخابات امریکا نیستیم و بدون نگاه به غرب هم میتونیم قوی باشیم 🙌

#تیربار_موشکی

Translate Tweet

توییت سروش
@soroush_twt

مجوز برگزاری کنسرت در تهران صادر شد! واقعا تو اوج کرونا کنسرت می چسبید از وزارت بهداشت ممنونیم 🙏 فقط کنسرت رو قبل از ۶ بذارید چون از ساعت ۶ به بعد کرونا میاد تو خیابون...

Translate Tweet

حاج احمد
@HajAhmad128

#شهید_حسن_تهرانی_مقدم 💔 کاری که انجام میدهید، حتی نایستید که کسی بگوید خسته نباشید! از همان درپشتی بیرون بروید. چون اگر تشکر کنند، تو دیگر اجرت را گرفته و چیزی برای آن دنیایت باقی نمیماند در یک کلام اخلاص

#پدر_موشکی_ایران

Translate Tweet

حاج حیدر
@haj_haydar

بعد از حمله تروریستی به دانشگاه کابل موبایلی را پیدا کردند که پدری ۱۴۲ بار با فرزندش تماس گرفته و بعد از اینکه جوابی دریافت نکرده پیام فرستاده که: جان پدر کجاستی؟

#ایران_غم_شریک_افغانستان

فدای دل پدران شهیدایی که سالها از فرزند خود بی خبر بودند؛ و ننگ بر حقوق بشر دروغین غرب

Translate Tweet

🔗 9 🔄 71 ❤️ 280 💬

alef.semnan@gmail.com

https://telegram.me/iasu_ir

www.iasu.ir

Anjomaneslami.semnan

۰۹۳۹۰۴۱۴۶۷۹

گاهنامه سیاسی، انتقادی، اجتماعی انجمن اسلامی
دانشجویان دانشگاه سمنان
سال نوزدهم / شماره ۱۴۶ / آبان ماه ۱۳۹۹
مدیر مسئول و سردبیر: علیرضا مجدآبادی
همکاران: محمد رضانی، مهدی محمودی، احمد نصیری، حسین شامصوری، سجاد مشهدی حسن
طراحی و صفحه آرایی: یاشار فتحی